

الله محمد



دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی
علوم سیاسی - مطالعات منطقه‌ای با تاکید بر ایران

بررسی نقش مصر در امنیت منطقه‌ای خاورمیانه
(بررسی موردی جنگ ایران و عراق)

به کوشش
سعید نظری ثابت

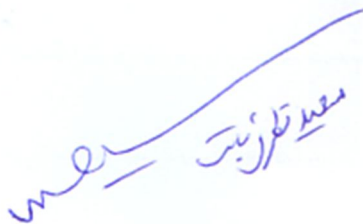
استاد راهنما
دکتر سید جواد صالحی

شهریور ماه ۱۳۹۳

به نام خدا
اظہارنامہ

اینجانب سعید نظری ثابت دانشجوی رشته علوم سیاسی مطالعات منطقه‌ای، گرایش ایران دانشکده حقوق و علوم سیاسی اظہار می‌کنم که این پایان نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظہار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: سعید نظری ثابت
تاریخ و امضاء:



سعید نظری ثابت

به نام خدا

بررسی نقش مصر در امنیت منطقه ای خاورمیانه

(بررسی موردی جنگ ایران و عراق)

به کوشش

سعید نظری ثابت

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز به عنوان بخشی از فعالیت های

تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی

مطالعات منطقه ای - ایران

دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی کمیته پایان نامه با درجه عالی:

.....
دکتر سید جواد صالحی، استاد یار بخش علوم سیاسی (استاد راهنما)

.....
دکتر ابراهیم عباسی، استاد یار بخش علوم سیاسی (استاد مشاور)

.....
دکتر احسان یاری، استادیار بخش علوم سیاسی (داور تخصصی داخلی)

شهریور ۱۳۹۳

تقدیم به اولین آموزگارم، مادرم

و

همراه همیشگیم، همسرم

سپاسگزاری

حمد و سپاس پروردگار متعال را که هستی‌مان بخشید و نعمت‌های بی‌پایان خود را به ما ارزانی داشته تا بدین وسیله به کسب علم و دانش بپردازیم. سپاس و احترام خانواده عزیزم، به ویژه مادرم، که موهبت کسب دانش عظیم نمودند و در این راه ذره‌ای از محبت و کمک دریغ ننموده‌اند و همیشه یاور و پشتیبان من بوده‌اند. سپاس بی‌پایان از همسرم که بدون کمک و راهنمایی ایشان، اتمام این پایان‌نامه هیچگاه میسر نمی‌گشت. اکنون به لطف خدادر آخرین مرحله از مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد بر خود لازم می‌دانم که سپاسگذار تمام عزیزان و دوستانی باشم که در این مسیر مرا یاری نموده‌اند. همچنین بر خود لازم می‌دانم که از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر سید جواد صالحی که مرا در مراحل انجام این پژوهش راهنمایی فرمودند و همچنین از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر ابراهیم عباسی که با رهنمودهایشان مرا یاری فرمودند تشکر و قدردانی کنم.

چکیده

بررسی نقش مصر در امنیت منطقه ای خاورمیانه (بررسی موردی جنگ ایران و عراق)

به کوشش

سعید نظری ثابت

عرصه تحلیل سیاست خارجی کشورها از مهمترین حوزه های پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل است و پژوهشگران با توسل به روش شناسی گوناگون و با استفاده از نظریات مختلف به تحلیل رفتار دولت ها در عرصه سیاست خارجی می پردازند. از سوی دیگر جنگ نیز از مهمترین وقایع یا شاید مهمترین اتفاق در عرصه روابط بین الملل می باشد. با توجه به وجود روش شناسی ها و پارادایم های گوناگون، بیشتر پژوهشگران در تحلیل های خود از سیاست خارجی، به رویکرد واقع گرایانه اتکا کرده اند که با گزاره های دولت محوری، انارشیک بودن نظام بین الملل، خودیاری و بقا و توجه به قدرت مادی همراه است. این در حالی است که به عناصر و مولفه های غیر مادی همچون ارزش ها، هنجارها، هویت و... در عرصه سیاست خارجی توجه چندانی نمی شود. طرفداران سازه انگاری ضمن تعدیل اصول خردباورانه نواقعی گرای و نولیبرالیسم، تاکید خودشان را متوجه اهمیت ساختارهای هنجاری و غیر مادی، نقش هویت در شکل گیری منافع و نیز قوام بخشی متقابل کنشگران و ساختارها می کنند و بر این اساس موضوع هویت دولت در روابط بین المللی و چگونگی شکل گیری آن در عرصه تعاملات اجتماعی و نیز تاثیر هویت دولت بر رفتار سیاست خارجی آن را بیش از پیش مدنظر قرار می دهند. جنگ ایران و عراق که به مدت هشت سال به طول انجامید، این دو کشور، کشورهای منطقه و نزدیک به کل جهان را تحت تاثیر قرار داد. یکی از زمینه ها و ابعاد مهم، بُعد سیاست خارجی دوران جنگ و نحوه برخورد کشورهای دیگر با این واقعه است. با در نظر گرفتن این موضوع که هر کشور در طول جنگ به دنبال گردآوری هر چه بیشتر حامیانی در پیرامون خود می باشد، در واقع جنگ موضوعی است که مستلزم بهره گیری از ائتلافها و اتحادها است و این موضوع با برجسته سازی اسلام هراسی، بنیادگرایی، پان عربیسم ... در طول جنگ تحمیلی اتفاق افتاده است، این پژوهش در صدد بررسی چرایی و چگونگی سیاست خارجی جمهوری عربی مصر با توسل به رویکرد سازه انگاری در قبال جنگ ایران و عراق می باشد. در این راستا با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و بر اساس رویکرد سازه انگاری، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی هستیم که «سیاست خارجی مصر و متعاقب آن مواضع و عملکردش در قبال جنگ ایران و عراق چه بوده است و چرا؟». فرضیه ای که برای پاسخ به این پرسش مطرح شده عبارت است از اینکه «هنجارها و ارزشهای موثر در تکوین هویت جامعه مصر و نخبگان آن در داخل از یک سو و هنجارها و ارزشهای بین المللی موثر بر هویت دولتمردان مصر از سوی دیگر، توضیح دهنده چگونگی تشکیل سیاست خارجی مصر در قبال جنگ ایران و عراق، در دوره های مختلف جنگ هشت ساله می باشد.»

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، جنگ ایران و عراق، سازه انگاری، هنجار، هویت، سازمان ملل.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: مقدمه

۲	۱-۱. طرح موضوع
۴	۱-۲. ادبیات موضوع پژوهش
۱۴	۱-۳. اهداف پژوهش
۱۵	۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۶	۱-۵. سوالات پژوهش
۱۷	۱-۶. فرضیه پژوهش
۱۷	۱-۷. متغیر های پژوهش
۱۸	۱-۸. روش پژوهش
۱۸	۱-۹. پیامدهای اثبات
۱۸	۱-۱۰. محدوده مکانی و زمانی پژوهش
۱۹	۱-۱۱. مفاهیم کلیدی
۲۰	۱-۱۲. محدودیت های پژوهش
۲۱	۱-۱۳. سازماندهی پژوهش

فصل دوم: بنیان های مفهومی، برداشت ها و جدال های تئوریک

مقدمه	۲۴
۱-۲. بررسی پارادایم های تئوریک در مطالعه سیاست خارجی	۲۵
۲-۲. فرا اثبات گرایان	۳۲
۱-۲-۲. سازه انگاری	۳۴
۲-۲-۲. چارچوب تحلیلی سازه انگارانه در روابط بین الملل	۳۸
۳-۲-۲. سیاست خارجی از منظر سازه انگاری	۴۶
۳-۲. نتیجه گیری	۵۴

فصل سوم: هنجارهای هویت ساز داخلی موثر بر سیاست خارجی دولت مصر

۱-۳. مقدمه	۵۸
۲-۳. ناصریسم	۶۲
۱-۲-۳. ضدیت با امپریالیسم	۶۲
۲-۲-۳. ناسیونالیسم عربی	۶۳
۳-۲-۳. سوسیالیسم عربی	۶۳
۴-۲-۳. سیاست بی طرفی یا عدم تعهد	۶۵
۳-۲-۳. انور سادات و گفتمان ملی گرایی	۶۷
۱-۳-۳. ناصرزدایی	۶۹
۲-۳-۳. دموکراسی مهارشده	۷۱
۳-۳-۳. تاکید بر رهبری مصر بر جهان عرب	۷۲
۴-۳-۳. تاکید بر صلح طلبی	۷۴
۴-۳. حسنی مبارک و گفتمان تلفیقی	۷۴
۵-۳. هنجارهای برگرفته از قانون اساسی جمهوری عربی مصر	۷۶

- ۳-۵-۱. تاکید بر عرب بودن ۷۹
- ۳-۵-۲. اسلام؛ منبعی برای قانون گذاری؟ ۷۹
- ۳-۶. نتیجه گیری ۸۰

فصل چهارم: منابع هنجاری موثر بر سیاست خارجی مصر در سطح بین الملل

- ۴-۱. مقدمه ۸۴
- ۴-۲. هنجارهای بر آمده از سازمان ملل ۸۶
- ۴-۳. نتیجه گیری ۹۴

فصل پنجم: سیاست خارجی و مواضع مصر در میدان عمل

- ۵-۱. روابط مصر و ایران در بستر تحولات ۹۶
- ۵-۱-۱. روابط ایران و مصر در ده ۷۰ و ۸۰ میلادی ۱۰۰
- ۵-۲. نقش مصر در صحنه عمل ۱۰۱
- ۵-۳. تفاوت نگرش سادات و مبارک در طول جنگ ۱۰۸
- نتیجه گیری پایانی ۱۱۱
- پیشنهادات جهت پژوهش ۱۱۶

منابع

- الف. منابع فارسی ۱۱۷
- ب. منابع انگلیسی ۱۲۴
- ج. منابع عربی ۱۲۷

چکیده و صفحه عنوان به انگلیسی

فهرست جدول‌ها

صفحه

عنوان

- جدول ۵-۱: آمار فروش تسلیحات مصری به عراق در دوران جنگ ۱۰۷
- جدول ۵-۲: درآمد مصر از فروش تسلیحات طی سالهای ۱۹۸۳-۱۹۸۷ به دلار آمریکا
و بر حسب قیمت‌های ثابت سال ۱۹۸۵ ۱۰۷

فصل اول

مقدمه

۱-۱. طرح موضوع

هر کشور در نظام بین الملل برای تعیین و تبیین سیاست خارجی و روابط خارجی خود نیاز به فهم و درک روندها و فرآیندهای منطقه ای و فرا منطقه ای از یک سو و طراحی استراتژی منطقه ای واقع بینانه و کارآمد از سوی دیگر می باشد. اصولاً دولت ها به تبع نیازهای داخلی، شرایط جغرافیایی و ژئوپلتیک و نیز تحت تاثیر ساختار و عملکرد نظام بین الملل جهت گیری ها و استراتژی های خاصی را به منظور تأمین هدفها و منافع خویش برمی گزینند(قوام: ۱۳۷۰: ۱۳۳). در واقع در منطقه خاورمیانه منافع و امنیت کشورها تا حد زیادی تابعی از تحولات و فرآیندهای منطقه ای است، که بحران های منطقه ای مانند جنگ از جمله مهمترین آنها محسوب می شوند. از سوی دیگر کشورهای واقع در منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیکی خود و منطقه خاورمیانه همیشه با معمای امنیت رو به رو بوده اند. وضعیت خاورمیانه طی شصت سال گذشته ، حاوی تجربه های گرانسنگی است که کشورهای این منطقه آن را با هزینه های سنگین به چنگ آورده اند(جی مارتین: ۱۳۸۳: ۲۱). جنگ های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، و ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل ، جنگ های داخلی در الجزایر ، عراق ، مصر و تونس ، جنگ ایران و عراق و جنگ دوم خلیج فارس باعث شدند تا در خاورمیانه حداقل ۱۸۵۰۰۰۰ نفر جان خود را از دست بدهند (norton, ۱۹۹۵: ۳۲).

بررسی و مطالعه جنگ ایران و عراق که هشت سال (۱۳۵۹-۱۳۶۷) این دو کشور، کشورهای منطقه و نزدیک به کل جهان را تحت تاثیر قرار داده بود و آثار آن هنوز باقی است، از جنبه ها و ابعاد گوناگون ضروری است(اردستانی؛ ۱۳۹۰: ۱۱). ایران کشوری است که در

حدود دو هزار و پانصد سال تاریخ خود، مجموعاً ۴۴۴ تجربه جنگی داشته است؛ یعنی به طور متوسط هر ۵.۵ سال یک جنگ (حافظ نیا؛ ۱۳۸۸: ۳۱). همچنین خاورمیانه یکی از پر آشوب-ترین مناطق جهان به شمار می رود. از همین رو با بررسی موشکافانه و دقیق ابعاد مختلف جنگ تحمیلی و پی بردن به چرایی و چگونگی اتفاقات رخ داده در ابعاد و زمینه‌های مختلف، می‌توان به شناسایی ساختار، روند و ویژگی‌های آن موضوع دست یافت تا در آینده بتواند افکار عمومی، علاقه مندان به مسائل جنگ و حتی سیاستمداران را در رابطه با فهم دقیق‌تر و نحوه برخورد با آن پدیده یاری نماید.

یکی از زمینه‌ها و ابعاد مهم در بررسی جنگ تحمیلی، بُعد سیاست خارجی دوران جنگ و نحوه برخورد کشورهای دیگر با این واقعه است. با در نظر گرفتن این موضوع که هر کشور در طول جنگ به دنبال گردآوری هر چه بیشتر حامیانی در پیرامون خود است، در واقع جنگ موضوعی است که مستلزم بهره‌گیری از ائتلاف‌ها و اتحادها است و این موضوع با برجسته‌سازی اسلام‌هراسی، بنیادگرایی، پان عربیسم ... در طول جنگ تحمیلی اتفاق افتاده است، این پژوهش در صدد بررسی چرایی و چگونگی سیاست خارجی جمهوری عربی مصر و متعاقب آن مواضع و عملکرد این کشور در قبال جنگ ایران و عراق می‌باشد، زیرا در میان کشورهایی که در طول جنگ ایران و عراق در منطقه خاورمیانه مستقیماً در مورد جنگ موضع‌گیری نمودند، مصر به دلیل اهمیتش در جهان عرب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

عرصه تحلیل سیاست خارجی کشورها از مهمترین حوزه‌های پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است و پژوهشگران با توسل به روش‌شناسی‌های گوناگون و با استفاده از نظریات مختلف به تحلیل رفتار دولتها در عرصه سیاست خارجی می‌پردازند. با توجه به روش‌شناسی‌ها و پارادایم‌های گوناگون، بیشتر پژوهشگران در تحلیل‌های خود از سیاست خارجی، به رویکرد واقع‌گرایانه اتکا کرده‌اند که با گذاره‌های دولت محوری، انارشیک بودن نظام بین‌الملل، خودیاری، بقا و توجه به قدرت‌های مادی همراه است. این در حالی است که به عناصر غیر مادی همچون ارزش‌ها، هنجارها، هویت و ... در عرصه سیاست خارجی توجه چندانی نمیشود. از همین رو تلاش خواهد شد با توسل به رویکرد سازه‌انگاری به بررسی سیاست خارجی جمهوری عربی مصر در قبال جنگ هشت ساله ایران و عراق پرداخته شود تا با بررسی هنجارها و ارزش‌های موثر بر سیاست خارجی مصر چه در سطح داخلی و چه در سطح بین

المللی، بتوان به درک عمیق و روشنی از سیاست خارجی مصر در رابطه با جنگ ایران و عراق رسید.

۱-۲. ادبیات موضوع پژوهش

در مورد موضوع پژوهش حاضر، یعنی سیاست خارجی مصر در قبال جنگ ایران و عراق، علیرغم اهمیت موضوع تحقیقات و تالیفات گسترده ای صورت نگرفته است. البته با توجه به موضوع این پژوهش و چارچوب نظری در نظر گرفته شده که بر اساس رویکرد سازه انگاری است، آثار مربوط به موضوع پژوهش را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

- ۱- آثاری که مربوط به موضوع تحلیل سیاست خارجی از منظر رویکرد سازه انگاری می باشند و به بررسی سیاست خارجی از منظری سازه انگارانه پرداخته اند، مربوط می شود.
- ۲- آثاری که با توسل به رویکرد سازه انگاری به تحلیل سیاست خارجی مصر پرداخته اند.
- ۳- پژوهشهایی که به بررسی سیاست خارجی، مواضع و عملکرد مصر در قبال جنگ هشت ساله ایران و عراق پرداخته اند.

از میان آثار موجود در گروه اول می توان به مقاله "سازه انگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی" (هادیان، ۱۳۸۲: ۴۵-۷۰) نوشته ناصر هادیان، اشاره کرد که در ابتدا به بررسی رابطه میان نظریه روابط بین الملل و تحلیل سیاست خارجی پرداخته است و به این نکته اشاره می کند که این دو نه تنها می توانند ارتباط تحلیلی با هم داشته باشند، بلکه در واقع درون هر نظریه روابط بین الملل یا سیاست بین الملل کم و بیش نکات راهنمایی در مورد تحلیل سیاست خارجی وجود دارد. وی در مقاله مذکور تلاش می کند تا با حرکت از سازه انگاری به عنوان نظریه ای برای تحلیل روابط بین الملل به نقشی که می تواند در تحلیل سیاست خارجی ایفا کند دست یابد. نویسنده در این راستا نگاه سازه انگاران به روابط بین الملل و تفاوت میان این چشم انداز و نظریه های سنتی تر روابط بین الملل را مورد بررسی و توجه قرار می دهد و به نکاتی مانند توجه به ساختارهای فکری و هنجاری به اندازه ساختارهای

مادی، و توجه سازه‌انگاران به هویت‌ها و نقش‌آنها در شکل‌دهی به منافع و کنش‌ها اشاره می‌کند. هادیان در ادامه به تلاش‌هایی که برای ایجاد پیوند میان نظریه سازه‌انگاری و تحلیل سیاست خارجی صورت گرفته اشاره می‌کند. نویسندگان این مقاله معتقد است که سازه‌انگاران با تأکیدی که به نقش زبان، معانی، قواعد، هنجارها، نهادها، فرهنگ، هویت و... در بر ساخته شدن روابط بین‌الملل موجود دارند، سیاست خارجی را نیز از همین منظر و با تأکید بر همین مفاهیم تحلیل می‌کنند.

مقاله "رابطه خطرناک؟ نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و مکتب‌برسازی" نوشته

(Price and Reus-Smit, 1998:259-281) ریچارد پرایس و کریستین رویس اسمیت به رابطه میان مکتب‌سازه‌انگاری و نظریه انتقادی روابط بین‌الملل می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که ریشه‌های فکری مکتب‌سازه‌انگاری به نظریه انتقادی بر می‌گردد. این مقاله با اشاره به عدم تعارض مکتب‌سازه‌انگاری با اصول اساسی معرفت‌شناسی و روش‌شناختی نظریه انتقادی به توضیح مکتب‌سازه‌انگاری می‌پردازد. نویسندگان این مقاله به سه گزاره اصلی هستی‌شناختی سازه‌انگاری اشاره می‌کنند که عبارتند از: اهمیت ساختارهای هنجاری در کنار ساختارهای مادی، نقش سازنده هویت‌ها در منافع و کنش‌ها و رابطه متقابل ساختارها و کنشگران با یکدیگر.

ریچارد پرایس و کریستین رویس اسمیت معتقدند که سازه‌انگاری بر آن است که هویت‌ها سازنده منافع و کنش‌ها هستند؛ موضوعی که از نظر نو‌واقع‌گرایان و نولیبرال‌ها تا حدودی مغفول مانده است. در حالی که سازه‌انگاران شناخت، چگونگی ساخته و پرداخته شدن منافع را کلید تبیین طیف وسیعی از پدیده‌های بین‌المللی می‌دانند اما خردگرایان یا به درستی آنها را نمی‌فهمیده یا نادیده گرفته‌اند. سازه‌انگاران برای تبیین شکل‌گیری ترجیحات، بر روی هویت‌های اجتماعی کنشگران تکیه می‌کنند.

این مقاله در ادامه به دو گونه سازه‌انگاری با عنوان نوگرا و پسانوگرا اشاره می‌کند و سازه‌انگاری سیستمی و سازه‌انگاری کل‌نگر را به عنوان دو شکل اصلی سازه‌انگاری نوگرا معرفی می‌کند.

نویسندگان مقاله با تأکید بر عدم تعارض مکتب‌سازه‌انگاری با نظریه انتقادی روابط بین‌الملل معتقدند که مکتب‌سازه‌انگاری با ارائه سه مسئله حتی به توسعه بیشتر نظریه

انتقادی روابط بین الملل کمک کرده است که آن سه عبارتند از: مسئله هنجاری دولت، مسئله جامعه شناختی همبستگی و مسئله گردمان شناختی اصطلاحات. در گردمان شناختی اصطلاحات به اقدامات در جهت دگرگون ساختن نظم موجود و اقدامات رهایی بخش پرداخته می شود.

جهانگیر کرمی در مقاله "هویت دولت و سیاست خارجه" (کرمی، ۱۳۸۳: ۳۷-۱) تلاش کرده تا ضمن مرور نظریه های روابط بین الملل (رنالیسم، لیبرالیسم و پست مدرن) و نقایص آنها در عرصه بررسی سیاست خارجی، توجه ما را به این نکته جلب کند که چگونه موضوع هویت دولت و چگونگی شکل گیری آن در عرصه تعاملات اجتماعی جهت بررسی سیاست خارجی دولت ها مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که هویت چگونه بر رفتار خارجی دولت ها تأثیر می گذارد؟

کرمی بیان می کند که نظریه های تکوین گرا با در نظر گرفتن هویت دولتها به عنوان امری ساخته شده از ساختارهای مادی، معنایی و بین الاذهانی و در تعامل با بازیگران دیگر، نحوه شکل گیری و وضعیت آن را در هر دوره، عاملی اساسی برای مطالعه سیاست خارجی می دانند. با در نظر گرفتن دولت و توجه به آن در دوره های تحول و دگرگونی در محیط خارجی و داخلی، می توان علت تحولات و نوسانات رفتاری واحدهای سیاسی را بهتر درک کرد. نویسنده مقاله در بخشی از آن بر بررسی جایگاه هویت از دیدگاه نظریه های مختلف روابط بین الملل می پردازد و معتقد است که نگرش های خرد گرا و اثباتی روابط بین الملل و سیاست خارجی به خاطر توجه به ساختارهای مادی و نیز برخورد اثباتی با ساختارهای معنایی، و مفروض پنداشتن هویت دولت و در نظر گرفتن آن به عنوان امری ثابت، اهمیتی برای نحوه شکل گیری هویت قائل نیستند.

وی با اشاره به نظریات تکوینی، این نکته را مطرح می کند که هر تغییری در ساختارهای مادی و معنایی و تعامل دولت با محیط خود، ممکن است به تغییراتی در یکی از ابعاد هویتی منجر شده و تعریف جدیدی از منافع ملی ارائه کند. بر این اساس، هویت دولت به عنوان یک منبع اساسی برای منافع ملی، برخی اقدامات را در سیاست خارجی مشروع و برخی را نامشروع می سازد. در واقع این هویت ها هستند که منافع را شکل می دهند و منافع نیز سرچشمه رفتارها و اقدامات هستند.

تدهاف در مقاله در سال ۱۹۹۸ با موضوع "نوید مکتب سازه انگاری برای نظریه روابط بین الملل"

(Hopf, 1998: 200-171) با اشاره به دو گونه سازه انگاری متعارف و سازه انگاری انتقادی به بررسی این نظریه در میان نظریات روابط بین الملل می پردازد. نویسنده مقاله معتقد است که مکتب سازه انگاری از برخی مضامین محوری بین الملل برداشت های متفاوتی ارائه می کند؛ از جمله معنای اقتدار گریزی و توازن قوا، رابطه میان هویت و منافع دولت، تشریح قدرت و چشم اندازهای دگرگونی در سیاست جهان. هاف بیان می کند که مکتب سازه انگاری متعارف موضوعات خاص خود را ارائه می کند که حول مسائل هویت در سیاست جهان، گنجاندن سیاست داخلی و فرهنگ در نظریه روابط بین الملل می چرخد.

هاف در این مقاله در میان سایر موضوعاتی که در مکتب سازه انگاری به آنها پرداخته می شود، این موضوع نیز مورد بررسی قرار می دهد که هویت هر دولت به طور تلویحی گویای ترجیحات و کنش های بعدی آن دولت است. بر اساس نظریه سازه انگاری هویت های دولت ها متغیر است و تغییر آنها احتمالاً به بافت تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بستگی دارد. بر این اساس سازه انگاران معتقدند که منافع نیز محصول هویت هستند.

هاف در این مقاله در توضیح تاکید سازه انگاری متعارف بر هویت بیان می کند که هویت ها چه در سیاست بین الملل و چه در سیاست جامعه داخلی برای آنکه دست کم سطح حداقلی از پیش بینی پذیری و نظم تضمین گردد ضروری هستند.

نویسنده مقاله این نکته را مورد اشاره قرار می دهد که بر اساس تلقی سازه انگاران از منافع و هویت ها، دولت ها کنشگری بیشتری دارند، اگر چه این کنشگری به هیچ وجه بی قید و بند نیست. هاف در ادامه با اشاره به اشتراکات و تفاوت های دو نوع سازه انگاری متعارف و انتقادی بیان می کند که سازه انگاری متعارف خواهان کشف هویت ها و رویه های اجتماعی باز تولید کننده آنها، در مرحله بعد به دست دادن تغییری از این مسئله هستند که چگونه هویت ها به کنش های معینی اشاره دارند. ولی نظریه پردازان سازه انگاری انتقادی هدف دیگری دارند و از این گذشته خواهان بر ملا ساختن هویت ها، نه بیان نتایج آنها بلکه تشریح این مسئله هستند که چگونه افراد به روایت واحدی از حقیقت طبیعی جلوه داده شده اعتقاد می یابند. در واقع هدف سازه انگاری انتقادی نابود ساختن افسانه ای است که درباره شکل گیری هویت وجود

دارد، اما سازه‌انگاران متعارف مایلند این هویت‌ها را علل احتمالی تلقی کنند. نویسنده در ادامه مقاله بار دیگر با اشاره به موضوع هویت در مکتب سازه‌انگاری معتقد است که این مکتب تفسیری از سیاست هویت به دست می‌دهد. راهی برای شناخت این مسئله پیشنهاد می‌کند که چگونه ملیت‌گرایی، قومیت، نژاد، جنسیت، مذهب و سایر همبستگی‌های بین‌ذهنی در تفسیر سیاست جهان نقش دراند.

وی در بخش دیگری از مقاله به این موضوع اشاره می‌کند که بر اساس مکتب سازه‌انگاری هرگونه هویت دولت در سیاست جهان تا اندازه‌ای زاده رویه‌های اجتماعی است که در آن هویت را در داخل می‌سازند. بدین ترتیب، سیاست هویت در داخل محدود کننده و مؤید هویت، منافع و اقدامات دولت در خارج است.

تدهاف در پایان این مقاله تاکید می‌کند که نوید مکتب سازه‌انگاری در واقع بازگرداندن نوعی نظم و پیش‌بینی‌پذیری نسبی به سیاست جهان است که نه زاده همگونی تحمیل شده، بلکه محصول درک تفاوت‌هاست.

کتاب "هویت و سیاست خارجی در خاورمیانه" ویراسته شبلی تلهامی (استاد دانشگاه مریلند) و میکائیل بارنت (استاد دانشگاه ویسکونسیون - مدیسون) (Telhami and Barnett, 2002) نیز یکی از آثاری است که در آن با توسل به رویکرد سازه‌انگاری سعی شده است رابطه‌ای میان متغیر مستقل هویت و متغیر وابسته سیاست خارجی برقرار شود. فصل اول کتاب، بحث نظری و فصل هشتم جمع‌بندی مطالب ارائه شده است. نویسندگان در فصول دوم تا هفتم به بررسی تاثیر هویت بر سیاست خارجی کشورهای اردن، اسرائیل، ایران، سوریه، عراق و مصر پرداخته‌اند، هدف کتاب بررسی نقش سیاست‌های هویتی بر سیاست خارجی است و نویسندگان در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال هستند که سیاست‌های هویتی چگونه بر سیاست خارجی تاثیر می‌گذارند؟ در پاسخ صریح و شفاف به رابطه میان هویت به عنوان یک متغیر مستقل و سیاست خارجی خودداری کرده‌اند. در مقابل، آنها اعلام می‌دارند که هویت می‌تواند به عنوان یک متغیر تلقی گردد و تلاش می‌کنند رابطه‌ای میان تغییر در متغیر مستقل هویت و متغیر وابسته جهت‌گیری سیاست خارجی، ایجاد نمایند.

برای مثال به نظر آنها تغییر هویت مصر از هویت عربی به هویت ملی، در انعقاد قرارداد کمپ دیوید با اسرائیل مؤثر بوده است؛ لیکن این به معنای آن نیست که هر کشوری که هویت

ملی را مبنا قرار دهد با اسرائیل صلح خواهد کردف به عبارت دیگر، آنها مدعی وجود رابطه صریحی بین متغیر مستقل هویت و متغیر وابسته سیاست خارجی نیستند.

گرد آورندگان کتاب، دو دیدگاه نظری متفاوت دارند، تلهامی برای بررسی تحولات مهم در سیاست خاورمیانه از نظریه نئوواقع گرایی بهره گرفته است و بارنت برای تبیین ویژگی های اصلی در سیاست های بین عربی از نظریه سازه انگاری استفاده کرده است. سازه انگاری بر آن است که ساختارهای اجتماعی و بین المللی ترکیبی از عناصر مادی و هنجاری هستند و ساختارهای اجتماعی، منافع و هویت بازیگران را شکل می دهند. این دو برای اینکه به چهاچوب نظری منسجمی دست یابند، در رویکرد نظری خود برخی تعدیل ها را ایجاد کرده اند. تلهامی مسئله مشروعیت فرا ملی و مطالبات هویتی را به پویش های بین عربی اضافه کرده و بارنت نیز برای گنجاندن قدرت در سیاست های منطقه ای، دیدگاه های خود را تعدیل نموده است. در فصل دوم تا هفتم، هر یک از نویسندگان به بررسی تاثیر هویت بر سیاست خارجی می پردازند، هر چند گردآورندگان، ساختار مشخصی را برای این امر تعیین نکرده اند، اما می توان اکثر مقالات را در قالب ساختار واحدی قرار داد و براساس آن به بررسی فصول مذکور پرداخت.

تلهامی به عنوان یک نو واقع گرا و بارنت به عنوان یک سازه انگار کوشیده اند با کنار هم نهادن دیدگاه های خود، نمود تأثیر گذاری هویت به سیاست خارجی را از منظرهای گوناگون مطالعه کنند و البته در مقدمه کتاب تاکید کرده اند که کتاب مزبور در واقع طرح مقدماتی برای مطالعه بیشتر نقش هویت در سیاست خارجی است. نویسندگان مقالات کتاب این رابطه را در مورد اردن، اسرائیل، ایران، عراق، عربستان سعودی و مصر از چهار رویکرد واقع گرایانه، لیبرالیستی، سازه انگارانه و پساساختارگرایانه مورد بررسی قرار داده اند.

از میان اثری که در گروه دوم مورد مطالعه قرار گرفته است مقاله "هویت و سیاست خارجی مصر" (کاروان و پوراخوندی، ۱۳۸۳)، نوشته ابراهیم کاروان و نادر آخوندی می باشد که تأثیر هویت بر شکل گیری یا دگرگونی سیاست خارجی مصر را مورد بررسی قرار می دهند. نویسندگان این مقاله با بیان این نکته که مصر دارای جامعه همگن، به لحاظ قومی و نژادی است، پنج نوع هویت عربی، اسلامی، ملی، مدیترانه ای و آفریقایی را برای آن بر می شمارند به نظر آنها همه اینها بر سیاست خارجی مصر تأثیر گذار بوده و تعریف دوست و دشمن را تغییر می دهد. البته از میان این هویت های پنج گانه، دو هویت ملی و عربی قوی تر بوده و نقش